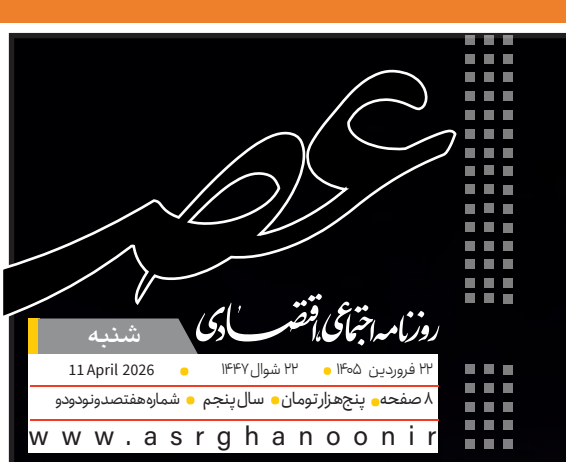




ارتقای جایگاه تنگه هرمز

سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی ایران، معتقد است، پذیرش مفاد پیشنهادی ایران درباره امنیت و رژیم حقوقی تنگه هرمز در چارچوب توافق آتش‌بس، می‌تواند یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماتیک کشور در دهه‌های اخیر باشد. سیدحمید حسینی درباره تفاهم آتش‌بس اخیر و مفاد پیشنهادی مربوط به مدیریت تنگه هرمز از سوی ایران که قرار است ملاک مذاکرات نمایندگان ایران و آمریکا در اسلام آباد باشد، اظهار کرد: در این توافق، محورهای اصلی پیشنهادهای ایران عمدتاً حول سه موضوع شکل گرفته بود؛ نخست پایان جنگ با ایران و جبران مقاومت، دوم امنیت تنگه هرمز و تعیین رژیم حقوقی آن، و سوم رفع تحریم‌ها و جبران خسارت‌هایی که به ایران وارد شده است.

وی افزود: اعلام شده که این بسته پیشنهادی ۱۰ ماده‌ای از سوی آمریکا پذیرفته شده است. اگر چنین موضوعی تحقق پیدا کند، به نظر من، دستاورد بسیار بزرگی برای کشور خواهد بود. تصور نمی‌کنم در چند قرن گذشته در مذاکرات بین‌المللی به دستاوردی رسیده باشیم که بتواند همزمان تحریم‌های اولیه، تحریم‌های ثانویه و حتی سازوکارهایی مانند اسنپک را تحت تأثیر قرار دهد. حسینی ادامه داد: از سوی دیگر، در این چارچوب بحث دریافت عوارض از تنگه هرمز نیز مطرح شده است؛ موضوعی که می‌تواند برای جبران خسارت‌هایی که به ایران وارد شده مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، ایجاد ثبات و آرامش در منطقه نیز یکی دیگر از نتایج مهم چنین توافقی خواهد بود. در چنین شرایطی همه طرف‌ها منتفع می‌شوند؛ ایران می‌تواند صادرات نفت خود را ادامه دهد، کشورهای منطقه از امنیت بیشتر برخوردار می‌شوند و اقتصاد جهانی نیز از ثبات در بازار انرژی سود می‌برد.

ارتقای جایگاه تنگه هرمز در معادلات راهبردی ایران وی با اشاره به اهمیت راهبردی تنگه هرمز گفت: به نظر می‌رسد در این دوره، تنگه هرمز تا حدی جایگزین موضوع هسته‌ای به‌عنوان یک عامل بازدارنده در معادلات راهبردی شده است. موضوع هسته‌ای همواره برای کشور هزینه‌های سیاسی و امنیتی داشته و حساسیت‌های زیادی ایجاد می‌کرد، اما مسئله تنگه هرمز از یک سو برای ایران می‌تواند منبع درآمد باشد و از سوی دیگر حساسیت‌هایی مانند پرونده هسته‌ای ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، چنین موضوعی می‌تواند موجب تقویت وحدت و انسجام داخلی نیز شود.



پذیرش آبروریزی برای سیاستمداران همیشه ساده‌تر از مدیریت یک جنگ تمام‌عیار است. اوضاع تنش میان ایران و برخی قدرت‌های منطقه‌ای در ماه‌های اخیر پیچیده‌تر شده است و احتمال درگیری نظامی واقعی همچنان نگرانی‌های بین‌المللی را برمی‌انگیزد. در این میان، اطرافیان ترامپ با بازگویی پرونده اِپستین و اطرافیان نتانیاهو با باز کردن پرونده‌های فساد او، سعی دارند افکار عمومی را از مسائل جدی‌تر منحرف کنند. این نشان می‌دهد که در سیاست، رُسوایی‌های رسانه‌ای یا شخصی نسبت به تبعات یک جنگ واقعی قابل مدیریت‌تر و کوتاه‌مدت‌تر هستند. تجربه تاریخی نشان داده است که رهبران گاهی ترجیح می‌دهند با انتشار اخبار جنجالی یا پرونده‌های جنجالی حواس مردم را از مشکلات بزرگ‌تره مثل بحران‌های نظامی یا اقتصادی، پرت کنند.

رسوایی سادهمتر از جنگ!

اوضاع جنگ با ایران آن‌قدر بد پیش رفته که اطرافیان ترامپ و همسر او برای پرت کردن حواس‌ها، ماجرای اِپستین را وسط کشیده‌اند و اطرافیان نتانیاهو نیز پرونده‌های فساد او را بازگشایی کرده‌اند!



کشتار خونین برای جبران شکست

در صفحه ۴ بخوانید

حمله به ۳۹ بیمارستان کشور

در صفحه ۷ بخوانید



هفته هنر انقلاب با اجرای نمایش‌های میدانی آغاز شد

در صفحه ۶ بخوانید



صاحبان پروژه‌های پستین از ترامپ می‌خواهند جنگ را به هر قیمتی ادامه دهد

■ جواد بخشی الموتی، عضو هیأت علمی دانشگاه و تحلیلگر مسائل سیاسی، به بررسی ابعاد جدید شکست آمریکا در جنگ تحمیلی سوم و چالش‌های پیش روی ترامپ پرداخت.

بخشی الموتی با اشاره به تناقض‌های آشکار در مواضع آمریکا پس از آتش‌بس، خاطرنشان کرد: سی‌پاس به نقل از منابع دیپلماتیک متعدد فاش کرده که به ترامپ شخصا گفته شده بود آتش‌بس با ایران در تمام منطقه از جمله لبنان اعمال خواهد شد و او نیز موافقت کرده بود. حتی توییت نخست وزیر پاکستان نیز این موضوع را تأیید می‌کند. اما پس از تماس تلفنی نتانیاهو، نظر ترامپ تغییر کرد؟! این یعنی رئیس‌جمهور آمریکا نه تنها تصمیم‌گیرنده نهایی نیست، بلکه یک تلفن از نخست‌وزیر اسرائیل کافی است تا تعهدات رسمی خود را نقض کند. چه تحقیری بالاتر از این برای ابرقدرت مدعی؟

وی افزود: تا کر کارلسون، مجری معروف آمریکایی، دیشب یک سؤال اساسی پرسید: «اگر شما قدرتمندترین نیروی نظامی جهان هستید، چرا نمی‌توانید ایران را مجبور کنید گلوگاه خلیج فارس را باز کند؟» که با اهانت ترامپ مواجه شد و جالب است که مدعی موکراسی اول جهان اینگونه بی در پی رکن چهارم دموکراسی یعنی مطبوعات را به باد تهمت و اهانت می‌گیرد. این سؤال، خلأ تئوریک راهبردی آمریکا را نمایان می‌کند. هیمنه پوشالی ارتش آمریکا در این جنگ برای همیشه فرو ریخت. در دهه‌های گذشته، هیچ ملتی توانایی تحقیر چنین ارتشی را نداشته است. ملت ایران و نیروهای مسلح ما با اراده پولادین، این کار را کردند.

این عضو هیأت علمی دانشگاه در ادامه به تحلیل فشارها بر ترامپ پرداخت و تصریح کرد: اظهارات اخیر ملانیا ترامپ که مجبور شد در یک سخنرانی نادر علنی، هرگونه ارتباط با شبکه اسپتین را تکذیب کند و به تفصیل درباره آن توضیح دهد، نشان می‌دهد که پرونده‌های شخصی ترامپ به یک اهرم فشار فوق‌العاده جدی علیه او تبدیل شده است. صاحبان پروژه اسپتین امروز از ترامپ می‌خواهند که جنگ را به هر قیمتی ادامه دهد حتی علی رغم فشارهای افکار عمومی داخل آمریکا. نتانیاهو بازی خطرناکی را دنبال می‌کند: او می‌خواهد ترامپ را تا عمق باتلاق بکشانند.

بخشی الموتی با اشاره به نقش پاکستان و آینده مذاکرات گفت: وزیر دفاع پاکستان، اسرائیل را «شر و نفرینی برای بشریت» خواند. این موضع روشن نشان می‌دهد که میاجبی نیز از قریب خوردن توسط آمریکا و اسرائیل ناراضی است. اما آینده مذاکرات روشن است: ایران نشان داده که حتی در برابر یک تهاجم ترکیبی همه‌جانبه، سر تسلیم فرود نمی‌آورد. ترامپ و مشاورانش باید با ادراک درست از وضعیت، به این جنگی که نتانیاهو علیه ملت‌های منطقه به راه انداخته پایان دهند، پیش از آن که خود در این گرداب گرفتارتر شوند. اگر آمریکا مانند دو جنگ تحمیلی اخیر به نتانیاهو اجازه نابودی دیپلماسی را بدهد، اقتصاد خود و جهان را به فروپاشی می‌کشاند.

وی در پایان خاطرنشان کرد: آتش‌بس شکننده است، اما حضور میلیونی ملت ایران پایدار است. حماسه ۲۰ فروردین در چهلیم رهبر شهید در کنار حماسه‌های ۲۲ دی، ۲۲ بهمن و ۲۲ اسفند، رکوردی بی‌سابقه در تاریخ ایران ثبت کرد. این حضور خیابان به خیابان و روستا به روستا و شهر به شهر نشان داد که ملت ایران شکست‌ناپذیر است و تا تحقق کامل آرمان‌های انقلاب، صحنه را خالی نخواهد کرد. دشمن اگر از این موج عظیم ییادری عبرت نگیرد، سرنوشتی جز نابودی و ذلت ابدی نخواهد داشت.

■ عبدالرضا رحمانی فضلی در کنفرانس مطبوعاتی که روز چهارشنبه و ساعاتی پس از اعلام توافق آتش‌بس میان ایران و آمریکا، در پکن برگزار کرد، در پاسخ به سوالی درباره اظهارنظر ترامپ مبنی بر اینکه چین نقش مهمی در قانع کردن ایران به توافق و انجام مذاکرات با آمریکا انجام داد، گفت: در درجه اول، این سوال باید از خود ترامپ پرسیده شود. اما از نظر ما، با توجه به نفوذ و موقعیت قابل اعتمادی چین برای تمام کشورهای منطقه خلیج فارس و همچنین با توجه به شراکت راهبردی بین ایران و چین، هم ایران و هم کشورهای منطقه می‌توانند ضمانت‌های چین را به راحتی قبول کنند و به آن اعتماد نمایند.

رحمانی فضلی در پاسخ به پرسشی درخصوص نقش چین در تحقق آتش‌بس دوهفته‌ای، گفت: ما با کشور دوست و همراه خود، چین، در امور مختلف مشارکت و همکاری داریم و از روزهای اول جنگ، چین حمله آمریکا و اسرائیل به ایران را به شدت محکوم و حمایت خود را از ایران و برقراری صلح در منطقه بیان کرد. تماس‌های زیادی نیز بین ایران و چین در سطوح وزیران خارجه دو کشور و نیز سفارتخانه‌های دو کشور برای بررسی راه‌های توقف جنگ صورت گرفت. بنابراین با همکاری که ما با کشورهای منطقه و دوست از جمله چین، روسیه، پاکستان، ترکیه و مصر داشتیم، در مجموع توانستیم به اصولی برسیم که تقویت کننده روند توقف جنگ باشد. سفیر جمهوری اسلامی ایران در چین با اشاره شروط ۱۰ ماده‌ای ایران برای پذیرش آتش‌بس، ضمن اظهار امیدواری نسبت به این که این امر بتواند صلح پایدار در کل منطقه را موجب شود، تأکید کرد که گفتگوهای آتی دو طرف حتما باید همراه با ضمانت‌های محکم از طرف سازمان ملل، شورای امنیت و کشورهای بزرگ نظیر چین و روسیه و دیگر کشورهای ذخیل در این روند باشد تا اطمینان حاصل شود که طرف مقابل دوباره در مسیر ادامه گفتگوها بدهد و خیانت نکند.

وی تأکید کرد که در جنگ اخیر، توانمندی ملی ایران و قدرت راهبردی نیروهای مسلح ایران به جهانبان نشان داده شد و مهاجمان را به پذیرش شروط ایران برای توقف درگیری وادار کرد. رحمانی فضلی افزود: از منظر دیپلماتیک، تهاجم نظامی آمریکا واسرائیل علیه ایران، تنها نقض چند قاعده حقوقی نبود، بلکه چهار ستون بنیادین بین‌المللی را به چالش کشید. اول اصل منع توسل به زور، دوم اصل حاکمیت برابر، سوم اصل عدم مداخله و چهارم اصل حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات.

وی گفت: دفاع جمهوری اسلامی ایران از خود در این جنگ، حامل این پیام بود که قانون زمانی مفهوم پیدا می‌کند که برای همه الزام‌آور باشد نه فقط برای برخی. سفیر ایران درباره اهمیت تنگه هرمز هم گفت که این آبراه نه فقط یک مسیر راهبردی برای عبور انرژی، بلکه یک فضای مشترک جهانی است؛ جایی که امنیت ذاتا وابسته به همکاری است و ایران با وجود تمامی فشارها نشان داده که می‌تواند حافظ ثبات این گذرگاه حیاتی باشد اما هیچ کشوری نمی‌تواند انتظار امنیت از سوی دیگران را داشته باشد درحالی که همزمان، حاکمیت و منافع همان دیگران را نادید می‌گیرد. ثبات یک وضعیت تحمیلی نیست بلکه یک رابطه متقابل مبتی بر به رسمت شناختن است. وی با اشاره به اهمیت توجه به «عدالت» در نظم بین‌المللی گفت: اگر نظم بین‌المللی نتواند بین قدرت و عدالت تعادل برقرار کند، خود به عامل بی ثباتی تبدیل خواهد شد. ایران با تکیه بر تجربه تاریخی، عمق تمدنی و تعهد به مسئولیت جهانی آماده است تا در بازسازی این تعادل، نه علیه کسی، بلکه به نفع همه جامعه جهانی ایفای نقش کند.

رحمانی فضلی در پاسخ به سوالی درباره آینده کنترل ایران بر تنگه هرمز گفت: صدها سال است که در تنگه هرمز و امنیت آن نظارت داریم و تاکنون هیچ گونه هزینه یا عوارض بابت این تأمین امنیت دریافت نکرده‌ایم و کسی هم تا کنون ارزش این کار ما را نمی‌دانست؛ درست مثل این که ما در شرایط عادی، ارزش اکسیژن هوا را نمی‌دانیم تا زمانی که قطع نشده باشد. اما امروز

اعتبار و ضمانت چین برای ایران و همه کشورهای منطقه قابل اعتماد است



جهان متوجه اهمیت امنیت تنگه هرمز شده است، بنابراین هرگونه تصمیمی که ما برای تنظیم مناسبات جدید در این آبراه در نظر داشته باشیم، حتما مقررات بین‌المللی را مد نظر خواهیم گرفت. سفیر ایران گفت: خیلی از آبراه‌های بین‌المللی جهان در شرایط کنونی و با رعایت مقررات بین‌المللی، از شناورهای عبوری عوارض دریافت می‌کنند و این موضوع هم مد نظر ما در آینده کنترل بر تنگه هرمز خواهد بود و ما هم می‌توانیم از آن الگوبرداری کنیم. رحمانی فضلی درعین حال گفت که بحث دریافت عوارض از کشتی‌های عبوری از تنگه هرمز هنوز رسماً اعلام نشده و هنوز مجلس ایران رسماً اقدامی در این خصوص انجام نداده است و مطالبی که گاهی در رسانه‌ها دیده می‌شود، صرفاً گمانه زنی‌های رسانه‌ای است و موضع رسمی در این خصوص باید از سوی دولت ایران اعلام شود.

وی همچنین گفت: براساس تصمیماتی که در داخل ایران گرفته خواهد شد و همچنین با توجه به نتایجی که از داخل مذاکرات ایران و آمریکا بدست خواهد آمد، ایران تنظیمات و سازوکار مناسبی را برای تردد کشتی‌ها از تنگه هرمز اتخاذ خواهد کرد و درباره آن اطلاع رسانی خواهد کرد.

وی گفت: ایران طبق روال قبل از جنگ، امنیت عبور و مرور کشتی از تنگه هرمز را تأمین خواهد کرد و همان‌گونه قبل امنیت این منطقه در دست ایران بود، در آینده هم ایران تعیین‌کننده امنیت این تنگه خواهد بود.

رحمانی فضلی در پاسخ به سوالی در خصوص اینکه ایران چه اقداماتی برای امنیت شرکت‌های چینی در آن کشور و محافظت از امنیت فعالیت‌های آنها در نظر دارد، گفت: همه اتباع خارجی مقیم ایران، طبق قوانین و مقررات، تحت امنیت و حمایت ایران هستند؛ اما در شرایطی که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها با موشک خانه‌ها و مراکز غیرنظامی را هدف قرار می‌دهند، این از کنترل ایران خارج است. ولی حفظ امنیت و سلامتی همه اتباع خارجی در ایران، از مهم‌ترین تعهدات این کشور است و ایران به آن پایبند است.



رهبر شهید قدرت ولایت فقیه را در عبور کشور از بحران‌ها به خوبی نشان داد

■ حجت‌الاسلام والمسلمین حاج علی اکبری امام جمعه موقت تهران توسط ضمن تقدیرم سلام و درود به محضر حضرت بقی‌الله الاعظم (عج) و آرزوی تسجیل در فرج ایشان، یاد و خاطره امام خمینی (ره)، شهیدای انقلاب اسلامی و همه شهیدان والا مقام را گرامی داشت.

وی با اشاره به توفیق برگزاری نماز جمعه در ایام اربعین شهادت امام خامن‌ای در جوار مرقد مطهر بنیانگذار انقلاب اسلامی و گلزار شهیدای بهشت زهرا (اس)، این فرصت را نعمتی الهی دانست و بر ضرورت رعایت تقوای الهی تأکید کرد.

امام جمعه تهران، امام خمینی (ره) و شهید امام خامن‌ای را نماد عینی تقوا و بندگی در زمان معاصر توصیف کرد و گفت: اگر بخواهیم تقوا برای ما تجسم عینی پیدا کند، پس از اولیای الهی می‌توانیم این صفت را در وجود این دو امام مشاهده کنیم.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبری، میراث بزرگ امام خمینی (ره) را «ولایت فقیه» به عنوان بنیان محکم برای سعادت جامعه مؤمنان و کانون اندیشه سیاسی اسلام ناب در عصر غیبت دانست و افزود: امام راحل به عنوان فقیهی ژرف‌اندیش و مصلحی بزرگ، با احیای ولایت فقیه و تحقق عینی آن همراه با امتی باوفا و بصیر، عصر جدیدی را در شکل‌گیری تمدن اسلامی آغاز کردند.

وی خاطرنشان کرد: ولایت فقیه، ملت ایران را از ظلمات طاغوت خارج کرد و به نور ولایت الهی منور ساخت؛ این جلوه از ولایت الهی که سایه ولایت عظمای اولیای خداست، نسخه شفابخشی برای حیات طیبه در عصر غیبت است.

ولایت فقیه «نسخه حیات‌بخش الهی در فلسفه سیاسی اسلام ناب» خطیب جمعه تهران، در ادامه سخنان خود ولایت فقیه را «نسخه حیات‌بخش الهی در فلسفه سیاسی اسلام ناب» و درمان‌بخش همه دردها و آلام روزگار معاصر دانست.

وی ولایت فقیه را هدیه گرانبه‌ای غدیر برای عصر غیبت و اداره بشریت در زمان غیبت ولی‌الله الاعظم (عج) توصیف کرد و افزود: ملت عزیز ما در همراهی با امام راحل برای تحقق این امر الهی هیچ کم نگذاشت.

امام جمعه موقت تهران با اشاره به جایگاه حضرت امام خمینی (ره) به عنوان حجت بزرگ خلوند و مصلح کبیر در روزگار ما تصریح کرد: ایشان در شرایطی که ظلمات متراکم کفر و شرک، روزگار ما را در تاریکی فرو برده بود، نور ولایت را درخشاند و عصر جدیدی آغاز شد که به حق این عصر با نام او شناخته شده است.

خطیب جمعه تهران این میراث بزرگ را به برکت شاگرد برجسته این مکتب یعنی رهبر شهید انقلاب اسلامی حفظ‌شده، تثبیت‌یافته و متعالی خواند و ایشان را نقش‌آفرینی الهی در ارائه بنیان‌های قرآنی نظریه ولایت فقیه و بنیان‌های تاریخی موجود در سیره ائمه معصومین (ع) دانست.

وی با اشاره به بیانات رهبر معظم انقلاب تصریح کرد: همه امامان ما به دنبال تحقق حاکمیت الهی بودند و برای آن مبارزه کردند. رهبر شهید ما توانست به لطف خدای متعال در تحقق این میانی و ارائه آنها نقشی فوق‌العاده ایفا کند.

امام جمعه موقت تهران با مرور نقش‌آفرینی‌های رهبر شهید انقلاب در دوران مبارزات پیش از پیروزی انقلاب اسلامی از حضور در کنار امام راحل در مبارزه با نظام طاغوتی، تحمل شکنجه‌ها و زندان‌ها، تا کارهای تربیتی، تبلیغی، تشکیلاتی و مبارزاتی، ایشان را چهره‌ای «با نشاط، جوان، فرزانه، دانشمند، شجاع، غیور، روشنفکر، خوش‌فکر و مجاهد» توصیف کرد.

حجت‌الاسلام والمسلمین علی اکبری با یادآوری تعابیر امام خمینی (ره) درباره رهبر شهید انقلاب، به نقش‌آفرینی‌های رهبر شهید انقلاب پس از پیروزی انقلاب از امامت جمعه تهران با خطبه‌های تراز و شورانگیز، تأسیس شبکه امامت جمعه در کشور، عضویت در شورای دفاع، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان و ریاست جمهوری اشاره کرد.

وی افزود: دشوارترین مسئولیت ممکن، یعنی رهبری و زعامت امت بعد از امام راحل، به این انسان الهی سپرده شد. ایشان در دوران زعامت خود بزرگ‌ترین خدمت‌ها را به اصل ولایت فقیه انجام دادند؛ هم در بُعد نظری به عنوان فقیهی نواندیش در عرصه مردم‌سالاری دینی، هم در قدرت فوق‌العاده در نظام‌سازی. خطیب جمعه تهران به ابعاد ز نظام‌سازی رهبر شهید انقلاب شامل «هنر تربیت و پرورش اجتماع از طریق ساخت افکار و روحیات و عواطف توده‌های عظیم مردم»، «تهادسازی‌های هدفمند با نظر به افق‌های دوردست»، «قدرت‌سازی نظامی کشور»، «ایجاد و ابتکار در ابعاد علمی و راهبردی»، «سیاست‌گذاری» و «آغاز نهضت بزرگ علمی ایرانیان» اشاره کرد.

وی در ادامه با اشاره به اطلاعاتیه دفتر رهبر انقلاب درباره تماس‌های مکرر برخی اقدشار مردم در خصوص حال‌لیت از امام شهید، گفت: مجزّه ولایت الهی، قدرت پرسی‌بینی حوادث و بهر‌مندی از وسعت محبت و قلب سرشار از عاطفه است. در پیام آمده بود که رهبری شهید ما فرموده بودند «همه ملت فرزندان من هستند» و آثانی که جفا کرده‌اند نگران نباشند که ایشان همه را بخشداند. رهبر شهید ما قدرت ولایت فقیه را برای عبور کشور از بحران‌ها نشان داد.

امام جمعه موقت تهران با بیان اینکه وقتی امام امت به شهادت

ایران ۷۰۰ هزار بشکه بیشتر از قبل جنگ نفت صادر می‌کند



آمریکا برای خرید نفتا از روسیه برای اولین بار در چهار سال گذشته استفاده کرده است.

جان کاین، مدیر برنامه امنیت ملی در مؤسسه سیاست استراتیا، گفت که در حالی که بحران انرژی احتمالا همکاری منطقه‌ای بیشتری را برمی‌انگیزد، می‌تواند روابط دوجانبه آمریکا را نیز تحت فشار قرار دهد. فشار بر متحدان آمریکا محدود به آسیا نیست. فرانسه و ایتالیا نیز مستقیماً با ایران مذاکره می‌کنند تا به کشتی‌هایشان اجازه عبور از تنگه هرمز داده شود. در همین حال، ایران در تلافی حمله آمریکا، حملات هوایی علیه متحدان عرب آمریکا از جمله عربستان سعودی، امارات، کویت، قطر و بحرین انجام داده و پایگاه‌های نظامی آمریکا و زیرساخت‌های انرژی را هدف قرار داده است.

است. با وجود دهه‌ها تضمین امنیتی، آمریکا نتوانست از بسته شدن بحرانی‌ترین تنگه انرژی جهان جلوگیری کند. متحدان آسیایی اکنون بی‌سروصدا می‌پرسند که آیا چتر امنیتی آمریکا مسیرهای تأمین انرژی خود به دیگران تکیه کنند که این امر به سود رقبای اصلی آمریکا تمام می‌شود.

پس از حملات هوایی اولیه آمریکا و اسرائیل در فوریه، ایران عملاً تنگه هرمز را بست؛ تنگه‌ای که یک‌پنجم نفت جهان از آن عبور می‌کند. متحدهان اروپایی و آسیایی از قبل در جریان جنگ قرار نگرفته بودند و از ابتدا برای مشارکت دعوت نشدند. با این حال، با افزایش قیمت نفت خام، دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، کشورهای دیگر را به خاطر عدم ارسال کمک نظامی سرزنش کرد و گفت آنها بی‌ک به نفت نیاز دارند باید «پشگام شوند» و «بروند نفت خودشان را تهیه کنند».

به نظر می‌رسد این کشورها اکنون به حرف او گوش می‌دهند، به ویژه در منطقه آسیا-اقیانوسیه، که اقتصادهایشان ناگهان بزرگترین منبع واردات انرژی خود را از دست دادند و اولین ضربه را از بحران تاریخی نفت جهانی خوردند.

متحدان آمریکا از جمله ژاپن، تایلند، کره جنوبی و فیلیپین به دنبال توافق با ایران برای تضمین تحویل ایمن نفت و گاز طبیعی هستند. کشورهای آسیایی همچنین در حال خرید بیشتر منابع طبیعی از روسیه، رقیب آمریکا هستند، در حالی که چین آمادگی خود را برای کمک به رفع کمبود سوخت و همکاری عمیق‌تر انرژی با اقتصادهای همسایه مانند استرالیا، فیلیپین و حتی تایوان اعلام کرده است.

روز سه‌شنبه، ترامپ آتش‌بسی دو هفته‌ای را با شرط بازگشایی تنگه هرمز اعلام کرد که باعث کاهش موقت قیمت نفت خام شد. با این حال، تأثیر عملی این توافق همچنان نامشخص باقی ماند. صرف نظر از نتیجه نهایی مذاکرات صلح، تصمیم ترامپ برای رفتن به جنگ، تجارت و مشارکت‌های انرژی را در منطقه بازاریابی کرده است که پیامدهای بلندمدتی برای آمریکا و ماهیت اتحاد‌های آن در آسیا خواهد داشت.

این بحران یک حقیقت تلخ درباره قدرت آمریکا را آشکار کرده



چرا جبران خلیل جبران تمدن واقعی را زانانه می‌دید؟

جبران خلیل جبران، روح سرگردانی که میان کوه‌های برفی لبنان و آسمان‌خراش‌های نیویورک پِلی از کلمات و رنگ‌ها بنا کرد، بیش از آنکه یک نویسنده یا نقاش صرف باشد، پیام‌آور نوعی شهود باطنی در روزگار سیطره ماده‌گرایی بود. او در ششم ژانویه ۱۸۸۳ در دهکده «بشری» چشم به جهان گشود؛ سرزمینی که صخره‌های سخت و دره‌های عمیقش نخستین درس‌های استواری و تامل را به او آموختند. زندگی او از همان آغاز با طعم تلخ فقر و از هم پاشیدگی خانواده درآمیخت. پدری که به دلیل تخلّفات مالی راهی زندان شد و مادری که برای نجات فرزندانش، رنج مهاجرت به دنیای ناشناخته غرب را به جان خرید، نخستین الگوهای ایستادگی در ذهن جبران جوان بودند. کوچ خانواده به بوستون آمریکا، نقطه عطفی بود که او را از سادگی روستا به قلب تپنده مدرنیته پرتاب کرد، جایی که نامش به اشتباه «کَهلِل» ثبت شد و او تا پایان عمر این هویت تحمیلی را در کنار اصالت لبنانی‌اش به دوش کشید.

تکوین نبوغ در تلاطم غربت و سوگ

مسیر هنری جبران با کشف استعدادی نبوغ‌آمیز توسط معلمانش در بوستون آغاز شد. آشنایی با «فرد هلند دی»، عکاس و ناشر پیشرو، دریچه‌های ادبیات جهان و اساطیر کلاسیک را به روی او گشود. جبران در این سال‌ها میان دو قطب فرهنگی در نوسان بود؛ از سویی شیفته هنر غرب و از سوی دیگر دلبسته ریشه‌های شرقی خود. او برای بازیافتن زبان مادری و تعمق در فرهنگ عربی به بیروت بازگشت و در «مدرسه الحکمه» به تحصیل پرداخت. این دوران، پیوند او را با سنت‌های ادبی شرق مستحکم کرد، اما دیرری ناپاید که مرگ ناپه‌نگام برادر و خواهر و سپس مادری در آمریکا، او را با طوفانی از سوگ روبرو ساخت. این فقدان‌های پی‌درپی، نگاه او را به مقوله مرگ و بقا تغییر داد و رگه‌هایی از حزن قدسی و عرفان را در آثارش پدیدار ساخت که در کتاب‌هایی نظیر «اشک‌ها و لب‌خندها» به وضوح قابل مشاهده است.

جهان‌بینی جبرانی: تجلی روح در کالبد ماده

دنیا از دیدگاه جبران خلیل جبران، صحنه‌ای برای تجلی روح الهی در کالبد انسانی است. او جهان را نه یک زندان، بلکه بستری برای تکامل می‌دید. در نگاه او، انسان مسافری است که میان بودن و شدن در حرکت است. جبران معتقد بود که حقیقت در سکوت و تامل یافت می‌شود و نه در هیاهوی تمدن مادی. او در آثارش، به‌ویژه در کتاب «پیامبر»، دنیا را از منظر «المصطفی» روایت می‌کند؛ کسی که دوازده سال در شهر «ورفالیس» درنگ کرده و اکنون در آستانه جدایی، عصاره حکمت خویش را دربراره شفق، کار، شادی، اندوه و مرگ به مردم هدیه می‌دهد. از نظر او، عشق تنها راه رهایی است، اما عشقی که صیقل‌دهنده روح باشد و انسان را برای رویارویی با حقیقت عریان آماده کند. او می‌گفت عشق شما را می‌کوبد تا برهنه شوید، شما را غریبان می‌کند تا از پوسته رها شوید، و شما را می‌گذارد تا به نانی مقدس برای ضیافت خداوند بدل گردید.

سنت‌شکنی فکری و تجسم برهنگی روح در هنر

سبک فکری جبران، آمیزه‌ای منحصربه‌فرد از عرفان شرق و رمانتیسیسم غرب است. او به شدت تحت تأثیر متفکرانی چون ویلیام بلیک و

■ دکتر ابراهیم فیاض در گفتگوی اختصاصی با اشاره به این‌که تحلیل بسیاری از رخداد‌های سیاسی و نظامی معاصر بدون درک بُعد تمدنی آن‌ها ناقص خواهد بود، اظهار داشت: انقلاب اسلامی ایران نیز از همین منظر قابل فهم است. این انقلاب صرفاً یک دگرگونی سیاسی یا تغییر قدرت در یک کشور نبود، بلکه تلاشی برای طرح و شکل‌گیری یک الگوی تمدنی جدید به شمار می‌رفت. به همین دلیل، تقابلهایی که پس از آن شکل گرفت نیز ماهیتی فراتر از نزاع‌های متعارف سیاسی پیدا کرد و در قالب یک رویارویی تمدنی قابل تبیین است.

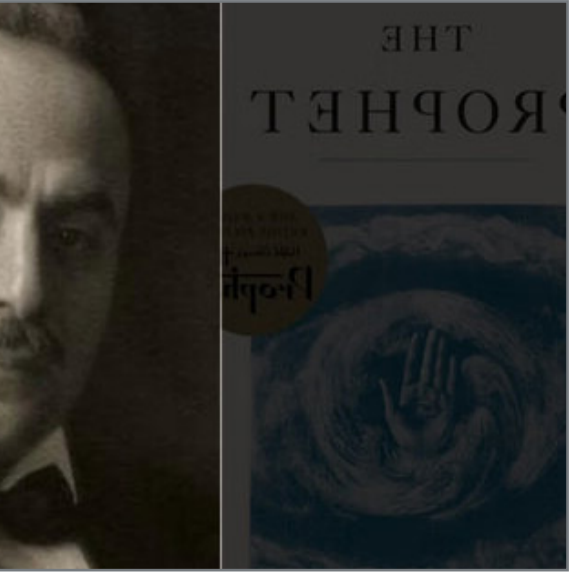
آغاز تقابل تمدنی از جنگ هشت‌ساله

وی افزود: در نخستین سال‌های پس از انقلاب، جنگی هشت‌ساله به ایران تحمیل شد. در نگاه سطحی، این جنگ می‌تواند صرفاً به عنوان یک درگیری منطقه‌ای میان دو کشور تحلیل شود؛ اما در لایه‌ای عمیق‌تر، نشانه‌هایی از یک تقابل تمدنی در آن دیده می‌شود. در آن مقطع، نیروهای گسترده‌ای از جامعه ایران در قالب بسیج مردمی در جنگ حضور یافتند، بسیاری از آنان افراد گمنام و عادی جامعه بودند که بدون چشمداشت شخصی وارد میدان شدند و شمار زیادی نیز جان خود را از دست دادند. این حضور گسترده و داوطلبانه نشان می‌داد که مسئله برای بخش بزرگی از جامعه صرفاً دفاع از مرزهای جغرافیایی نبود، بلکه نوعی احساس مشارکت در یک پروژه بزرگ‌تر تاریخی و تمدنی وجود داشت. عضو هیئت علمی دانشگاه تهران همچنین گفت: ایران در طول تاریخ خود همواره یکی از کانون‌های مهم شکل‌گیری تمدن بوده است. در دوره‌های مختلف تاریخی، از تمدن‌های باستانی ایران گرفته تا دوره اسلامی و سپس دوران صفویه، این سرزمین نقش مهمی در تولید و گسترش الگوهای فرهنگی و تمدنی ایفا کرده است. چنین پیشینه‌ای سبب شده است که مفهوم «تمدن» در ذهن و حافظه تاریخی جامعه ایرانی جایگاه ویژه‌ای داشته باشد.

رژیم پهلوی نیز داعیه تمدنی داشت!

وی اضافه کرد: حتی در دوره پیش از انقلاب نیز رژیم پهلوی با طرح ایده «دروازه‌های تمدن بزرگ» تلاش می‌کرد خود را در قالب یک پروژه تمدنی معرفی کند. در آن دوران آثار و کتاب‌هایی با همین مضمون منتشر می‌شد و تلاش می‌کردند تصویری از ورود ایران به یک عصر جدید تمدنی ارائه دهند. با این حال، بسیاری از مردم چنین ادعایی را با واقعیت‌های اجتماعی و سیاسی آن زمان سازگار نمی‌دانستند. ساختار سیاسی مبتنی بر سلطنت، همراه با فساد، وابستگی و فاصله عمیق میان حکومت و جامعه، باعث می‌شد این ادعاها برای بخش قابل توجهی از جامعه قانع‌کننده نباشد.

فیاض همچنین ادامه داد: در چنین فضایی، انقلاب اسلامی با طرح شعار بنیادین وارد میدان شد: «نه شرقی، نه غربی». این شعار در واقع نوعی اعلام استقلال تمدنی بود؛ یعنی تلاش برای شکل‌دهی به الگویی که نه در چارچوب تمدن غربی تعریف شود و نه در قالب الگوهای شرقی رایج آن زمان. هدف، شکل‌گیری نوعی تمدن اسلامی بود که بتواند در قالب یک نظام سیاسی جدید یعنی جمهوری اسلامی تبلور پیدا کند. وی یادآور شد: پس از پایان جنگ تحمیلی نیز مسئله تمدن همچنان در ادبیات سیاسی و فکری کشور حضور داشت. در آن سال‌ها بحث‌هایی درباره افق‌های بلندمدت توسعه و آینده تمدنی ایران مطرح می‌شد. حتی در دوره‌ای که سیاست‌های اقتصادی متأثر از الگوهای غربی دنبال



فریدریش نیچه بود. از بلیک، نگاه سمبلیک و پیوند میان نقاشی و شعر را آموخت و از نیچه، روح عصیانگر و تلاش برای برساختن انسان برتر را وام گرفت. با این حال، عصیان جبران برخلاف نیچه، به نیست‌انگاری ختم نمی‌شود؛ بلکه عصیانی است علیه سنت‌های پوسیده مذهبی و نهادهای قدرت که روح انسان را به بند می‌کشند. او در کتاب «ارواح سرکش» با زبانی گزنده به نقد فساد کلیسا و ستم‌های اجتماعی در لبنان پرداخت، تا جایی که کتابش در میدان‌های بیروت به آتش کشیده شد و خود او از سوی نهادهای مذهبی تکفیر گردید. اما این فشارها تنها باعث شد که او با جسارت بیشتری به سوی آزادی مطلق گام بردارد.

او نقاشی را ادامه شعر می‌دانست و معتقد بود کلماتی که نمی‌توانند عمق معنا را برسانند، باید در قالب رنگ و خط متجلی شوند. در پاریس، او زیر نظر اساتید بزرگی آموزش دید و پرتوهایی از شخصیت‌های برجسته زمانه خود کشید، اما همواره اصالت سبک شخصی‌اش را که بر پایه نمادگرایی و ابهام شاعرانه بنا شده بود، حفظ کرد. آثار او با کارهای ویلیام بلیک مقایسه می‌شدند، چرا که هر دو به دنبال یافتن راهی برای بیان مکاشفات درونی خود بودند.

ستایش زانگی و پیوند مقدس با طبیعت

یکی از جنبه‌های درخشان تفکر جبران، نگاه او به جایگاه زن و طبیعت است. او تمدن واقعی را زاننه می‌دانست و معتقد بود که ارزش‌هایی چون مهریانی، صیوری، مراقبت و شهود، مظاهر زانگی روح هستند که جهان مدرن به شدت به آن‌ها نیاز دارد. ستایش او از مادر و مادری، برخاسته از دینی بود که به مادر فداکارش حس می‌کرد؛ زنی که در اوج فقر، چراغ هنر را در دل او روشن نگاه داشت. در شعر جبران، طبیعت نیز موجودی زنده و سخنگو است. او رودها، درختان و کوه‌ها را رفقای تنهائی خود می‌دانست و بر این باور بود که انسان با دور شدن از طبیعت، در واقع از لایه اصلی وجود خود فاصله گرفته است. این نگاه وحدت‌جویی، در

می‌شد، همچنان در سطح گفتمانی از افق‌های تمدنی برای آینده ایران سخن گفته می‌شد. این نشان می‌دهد که مفهوم تمدن به‌تدریج به یکی از محورهای مهم در تحلیل مسیر تاریخی انقلاب تبدیل شده بود. تمدن وبترینی کشوهای حاشیه خلیج فارس فیاض همچنین بیان داشت: در سطح منطقه‌ای نیز تحولات نشان می‌دهد که بسیاری از رقابت‌ها و تنش‌ها را می‌توان در قالب همین چارچوب تمدنی تحلیل کرد. برخی از کشورهای منطقه فاقد پشتوانه تاریخی عمیق در حوزه تمدن هستند و بیشتر تلاش می‌کنند با توسعه ظاهری شهرها، برج‌ها و زیرساخت‌های مدرن، تصویری از پیشرفت ارائه دهند. این نوع الگو را می‌توان «تمدن وبترینی» نامید؛ الگویی که بیشتر بر جلوه‌های ظاهری و نمادهای مدرن تکیه دارد، اما لزوماً از پشتوانه عمیق فرهنگی و تاریخی برخوردار نیست.

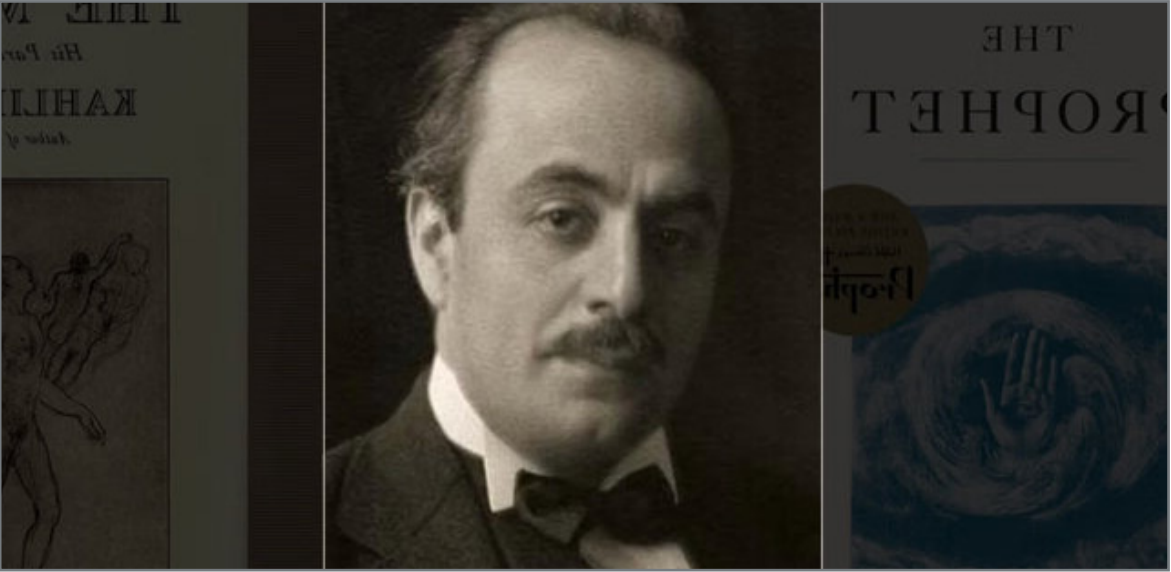
وی افزود: نمونه‌ای از این وضعیت را می‌توان در برخی از شهرهای ثروتمند منطقه مشاهده کرد که با ساخت برج‌های عظیم، مراکز تجاری بزرگ و پروژه‌های نمایی تلاش می‌کنند چهره‌ای از پیشرفت و تمدن ارائه دهند. با این حال، چنین ساختارهایی در برابر بحران‌های اقتصادی یا تحولات سیاسی بسیار مهمی هستند؛ زیرا بیش از آنکه بر بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی استوار باشند، بر نمایش ظاهری توسعه متکی‌اند. در مقابل، الگوی تمدنی مبتنی بر فرهنگ و تاریخ، ریشه در جامعه و حافظه تاریخی آن دارد. چنین الگویی اگرچه ممکن است با کندی بیشتری شکل بگیرد، اما از پایداری بیشتری برخوردار است. از همین منظر، برخی تحلیل‌ها رقابت‌های منطقه‌ای و حتی فشارهای بین‌المللی علیه ایران را در چارچوب جلوگیری از شکل‌گیری یک الگوی تمدنی جدید در جهان اسلام تفسیر می‌کنند.

خاستگاه جنگ تمدن‌ها

این جامعه شناس همچنین گفت: در سال‌های اخیر نیز بحث «جنگ تمدن‌ها» که توسط برخی نظریه‌پردازان غربی مطرح شده بود، بار دیگر در تحلیل تحولات جهانی مورد توجه قرار گرفته است. بر اساس این دیدگاه، در آینده جهان، رقابت‌ها بیش از آنکه صرفاً میان دولت‌ها باشد، میان حوزه‌های تمدنی مختلف شکل خواهد گرفت. در چنین چارچوبی، تمدن اسلامی یکی از بازیگران مهم این معادله تلقی می‌شود. وی افزود: برخی متفکران غربی نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که مهم‌ترین چالش تمدن غرب در آینده ممکن است نه از سوی قدرت‌های صرفاً سیاسی یا اقتصادی، بلکه از سوی تمدن‌هایی باشد که الگوهای فرهنگی و معنایی متفاوتی ارائه می‌کنند. از این منظر، تلاش برای شکل‌گیری یک تمدن اسلامی مستقل می‌تواند به عنوان یکی از مهم‌ترین محورهای رقابت در نظم جهانی آینده تلقی شود.

تفسیر تمدنی در پرتو تغییر نظم جهانی

فیاض همچنین ابراز داشت: در همین چارچوب، تحولات ایران پس از انقلاب نیز توسط برخی تحلیلگران در قالب یک پروژه تمدنی تفسیر شده است: پروژه‌ای که هدف آن شکل‌گیری نوعی نظم فرهنگی، اجتماعی و سیاسی مبتنی بر ارزش‌های اسلامی در مقیاسی فراتر از مرزهای ملی است. از سوی دیگر، برخی متفکران غیرغربی نیز بر ظهور نظم‌های تمدنی جدید در جهان تأکید می‌کنند. برای مثال، در کنار تمدن غربی، از الگوهای تمدنی نوظهور در چین، روسیه و سایر مناطق نیز سخن گفته می‌شود. در این میان، برخی از آنان بر این باورند که



تمام آثار منشور و منظوم او جاری است و مخاطب را به نوعی آشتی با جهان پیرامون دعوت می‌کند.

از عیسی انسان تا پیامبر جهانی

مسیر زندگی جبران در سال‌های پایانی به خلق شاهکارهایی چون «عیسی فرزند انسان» انجامید. او در این کتاب، تصویری متفاوت از مسیح ارائه داد؛ مسیحی که نه در بند روایت‌های جزمی، بلکه انسانی است که به اوج کمال رسیده و درها و شادی‌های بشر را با تمام وجود درک کرده است. جبران که خود در میانه دو فرهنگ مسیحی مارونی و محیط سکولار غرب زیسته بود، همواره به دنبال یافتن هسته مشترک ادیان بود. او می‌خواست نشان دهد که حقیقت، فراتر از نام‌ها و مذاهب است. با انتشار کتاب «پیامبر» به زبان انگلیسی در سال ۱۹۲۳، او به شهرتی بین‌المللی دست یافت که کمتر نویسنده عرب‌زبانی به آن رسیده بود. این کتاب به سرعت مرزها را درنوردید و به زبان‌های متعددی ترجمه شد، زیرا حرف دل انسان‌هایی بود که در میان ویرانه‌های جنگ جهانی اول به دنبال معنایی برای زندگی می‌گشتند.

جبران خلیل جبران در دهم آوریل ۱۹۳۱، در حالی که تنها ۴۸ سال داشت، بر اثر بیماری در نیویورک چشم از جهان فروبست. او که هرگز تابعیت آمریکا را نپذیرفته بود، وصیت کرد که پیکرش به لبنان بازگردانده شود. امروز، صومعه‌ای قدیمی در قلب کوه‌های لبنان آرامگاه اوست؛ مکانی که به موزه‌ای از آثار و رویاهای او بدل گشته است. میراث او برای دنیا، تنها کتاب‌ها و نقاش‌هایش نیست، بلکه دعوتی است همیشگی به بازگشت به خود، ستایش زیبایی در میان رنج، و باوری عمیق به اینکه فردا همواره در دستان کسانی است که فرزندان ما روخشان را آزاد نگاه می‌دارند. او به ما آموخت که فرزندان ما، فرزندان ما نیستند، بلکه پسران و دختران اشتیاق زندگی به خوشتن‌اند و ما تنها گمان‌هایی هستیم که این تیره‌های زنده را به سوی آینده پرتاب می‌کنیم.



ایران می‌تواند در شکل‌گیری یک الگوی جدید در جهان اسلام نقش مهمی ایفا کند.

وی ادامه داد: در نتیجه، بسیاری از تقابله‌ها و فشارهایی که علیه ایران شکل می‌گیرد، در این چارچوب قابل تحلیل است. اگر یک کشور یا یک جامعه در مسیر شکل‌دهی به یک الگوی تمدنی جدید قرار گیرد، طبیعی است که با مقاومت‌ها و چالش‌های جدی مواجه شود؛ زیرا ظهور هر تمدن جدید می‌تواند تعادل‌های پیشین در نظام جهانی را دگرگون کند. از این منظر، رویدادهای مانند جنگ‌ها، فشارهای سیاسی یا حتی رقابت‌های منطقه‌ای را می‌توان صرفاً در سطح منازعات کوتاهمدت تحلیل نکرد، بلکه باید آن‌ها را در چارچوب روندهای بلندمدت تاریخی و تمدنی نیز مورد توجه قرار داد. در چنین تحلیلی، بسیاری از رخداد‌های معاصر نه صرفاً به عنوان بحران‌های مقطعی، بلکه به عنوان بخشی از یک فرآیند بزرگ‌تر تاریخی دیده می‌شوند.

تجربه جامعه ایرانی در رویکرد تمدنی

عضو هیئت علمی دانشگاه تهران خاطرنشان کرد: بر اساس این نگاه، جامعه ایران در حال تجربه مرحله‌ای از تحولات تمدنی است که نشانه‌های آن را می‌توان در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مشاهده کرد. حضور گسترده مردم در مناسبت‌های عمومی، مشارکت اجتماعی در مقاطع حساس تاریخی و شکل‌گیری نوعی هویت جمعی حول ارزش‌های فرهنگی و دینی، از جمله نشانه‌هایی است که در این چارچوب مورد توجه قرار می‌گیرد.

وی افزود: در نهایت، اگر این روندها ادامه یابد، می‌توان انتظار داشت که در آینده نه‌چندان دور، تحولات گسترده‌تری در سطح منطقه و جهان اسلام رخ دهد. بسیاری از تحلیلگران معتقدند که بیداری فکری و اجتماعی در میان نسل‌های جوان در کشورهای مختلف اسلامی در حال شکل‌گیری است و این روند می‌تواند زمینه‌ساز تحولات عمیق‌تری در آینده باشد.



بیم‌و امید هادر مذاکرات پساجنگ

■ بهمن اکبری، رایزن فرهنگی سابق ایران در عمان: گفت‌وگوهایی که پس از یک درگیری نظامی آغاز می‌شود، به‌طور معمول نه ادامه میدان، بلکه بازاریابی آن در سطح سیاسی است. مذاکرات اسلام‌آباد نیز در همین چارچوب اهمیت پیدا می‌کند: تلاشی برای تبدیل وضعیت جدید میدانی به ترتیبات سیاسی قابل‌اتکا. ماهیت این مقطع، ماهیتی است چندوجهی؛ مرحله‌ای که در آن فرصت‌ها و تهدیدها هم‌زمان عمل می‌کنند و تصمیم‌های نخستین می‌تواند پیامدهای بلندمدت داشته باشد.

نخست، وزن میانجی‌ها و معماری جدید امنیت منطقه

حضور قدرت‌های میانجی در این مذاکرات، صرفاً یک نقش تسهیل‌گر نیست؛ این حضور، نشانگر شکل‌گیری نوعی معماری در حال تغییر امنیت منطقه است.

قدرت‌هایی که تمایل دارند روند تنش‌زدایی تثبیت شود، در واقع به دنبال کاهش هزینه‌های نامتی در حوزه‌هایی مانند انرژی، تجارت و گذرگاه‌های حیاتی‌اند. این تغییر، ظرفیت ایجاد مکانیسم‌های چندجانبه را دارد؛ مکانیسم‌هایی که در توافقات‌های گذشته کمتر دیده می‌شد.

پیامد تحلیلی: اگر این الگو فراگیر شود، ممکن است شاهد گذار از میانجی‌گری‌های فردی به ساختارهای مشترک امنیتی باشیم؛ فرآیندی که می‌تواند ثبات مذاکرات را افزایش دهد، اما عملاً دامنه تصمیم‌گیری را از سطح دوجانبه فراتر می‌برد.

دوم، آتش‌س‌های کوتاهمدت: فرصت یا فاصله‌گذاری تاکتیکی؟

در اغلب الگوهای تاریخی، آتش‌بس محدود به زمان، بیشتر «وقفه» است تا «پایان». این نوع آتش‌بس‌ها ظرفیت فراهم‌کردن فرصت تنفس دارند، اما در بسیاری موارد به‌عنوان ابزاری تاکتیکی نیز تلقی می‌شوند.

از منظر تحلیل امنیتی، چنین توقف‌هایی می‌توانند مسیر گفت‌وگو را بکشاید، هزینه ادامه درگیری را برای بازیگران مشخص کند، و فضای بازتنظیم ظرفیت‌ها را فراهم سازد. اما بدون سازوکارهای نظارتی قوی، امکان بازگشت سریع تنش همیشه مورد توجه است.

پیام کلیدی: موفقیت این مرحله وابسته به توانایی طرف‌ها در تبدیل «وقفه» به «پایه» و از موقت به پایدار است. سوم، اعتبار تعهدات: مسئله‌ای تعیین‌کننده در هر توافق پساجنگ، یکی از مهم‌ترین عوامل شکست یا موفقیت مذاکرات پساجنگ، پیشینه تعهدات و توان طرف‌های درگیر برای اجرای آن است. سابقه توافقات‌های پیشین در مناطق مختلف جهان نشان می‌دهد که تفاوت میان «تعهدات اعلامی» و «تعهدات قابل‌راستی‌آزمایی» شکافی و گسلی تعیین‌کننده است.

در چارچوب مذاکرات اسلام‌آباد، این موضوع مطرح می‌شود که:

– آیا تعهدات در سطوح حقوقی، اجرایی و بین‌المللی پشتیبانی می‌شود؟

– آیا نظارت ثالث یا نهاد مشترک وجود دارد؟

– آیا طرف‌ها هزینه نقض تعهد را درک می‌کنند؟

بدون پاسخ روشن به این پرسش‌ها، توافقات شکننده باقی می‌مانند.

چهارم، نقش بازیگران غیرمستقیم؛ سطح عمیق و پنهان مذاکرات هر پرونده پساجنگ معمولاً سه سطح دارد: طرف‌های اصلی، میانجی‌ها و بازیگران غیرمستقیم.

دشوارترین و مهم‌ترین بخش‌های مدیریت مذاکرات مربوط است به سطح سوم، یعنی کشورها یا گروه‌هایی که در میدان حضور مستقیم ندارند اما بر روند و نتیجه اثر می‌گذارند. این بازیگران می‌توانند با فشار سیاسی، تحریک میدان، تغییر ائتلاف‌ها یا اعمال هزینه بر توافقی روند تنش‌زدایی را تضعیف و یا تقویت کنند.

تحلیل: هر توافقی پایدار نیازمند چارچوبی است که اثرگذاری این بازیگران را محدود یا قابل پیش‌بینی سازد.

پنجم، چشم‌انداز تثبیت: ترکیب لازم برای خروج از چرخه فرسایشی

مرحله پساجنگ تنها زمانی از ناپایداری فاصله می‌گیرد که سه شرط مهم در کنار هم قرار گیرند: تضمین‌های معتبر و قابل‌راستی‌آزمایی، اقدامات اعتمادساز واقعی و نه صرفاً بیانی، اراده سیاسی برای مدیریت پیامدهای اقتصادی، امنیتی و منطقه‌ای ترکیب این عناصر تعیین خواهد کرد که آیا روند کنونی می‌تواند به یک چارچوب پایدار منجر شود یا در نهایت به چرخه‌ای از توقف و زسرگیری تنش تبدیل خواهد شد.

مذاکرات پساجنگ اسلام‌آباد را می‌توان آزمونی برای پایداری یک نظم در حال شکل‌گیری منطقه‌ای دانست. فرصت‌ها و تهدیدها هر دو جدی‌اند. وزن میانجی‌ها، پایداری آتش‌بس، اعتبار تعهدات و نقش بازیگران غیرمستقیم، هر کدام می‌توانند مسیر را تثبیت یا برهم بزنند.

در این شرایط، تحلیل‌گران سیاسی معمولاً بر یک محور مشترک تأکید دارند:

مرحله پساجنگ، دوره تصمیم‌هایی است که اثر آنها در کوتاهمدت دیده نمی‌شود، اما شکست آنها فوراً قابل مشاهده خواهد بود.

LPG سوختی اقتصادی واستراتژیک برای روزهای عادی و بحرانی



سیستم جلوگیری از نشت مجهز هستند. طراحی این مخازن مطابق استانداردهای جهانی انجام می‌شود و امکان استفاده از آن‌ها را در شرایط مختلف فراهم می‌کند.

LPG برای گرمایش و پخت‌وپز خانگی، صنایع کوچک، کارگاه‌ها، گلخانه‌ها، دامداری‌ها و حتی خودروهای شهری قابل استفاده است. این انعطاف‌پذیری، آن را برای مناطق کج‌دسترس یا فاقد زیرساخت گازرسانی به گزینه‌ای بسیار کارآمد تبدیل می‌کند.

مخزن LPG قلب مصرف ایمن این سوخت است. مخازن استاندارد به این دلیل که این سوخت در برابر فشار و خوردگی مقاوم است و قابلیت نصب در محط‌های خانگی و صنعتی نیز دارد. امکان فراهم کردن تأمین انرژی بدون وقفه و دوره‌های بازرسی و نگهداری مشخص و

■ با گسترش شهرنشینی و افزایش مصرف انرژی، انتخاب سوختی که هم از نظر اقتصادی مقرون‌به‌صرفه باشد و هم پایداری آن در شرایط ویژه تضمین شود، اهمیت زیادی پیدا کرده است. در این میان گاز مایع یا همان (LPG) به دلیل ویژگی‌های فنی و عملیاتی خود، نه‌تنها برای زندگی روزمره جامعه کاربردی است، بلکه در شرایط بحرانی مانند جنگ، حملات احتمالی به پالایشگاه‌ها و خطوط انتقال، یا اختلال در شبکه گازرسانی، به یک منبع انرژی قابل اتکا تبدیل می‌شود. LPG ترکیبی از پروپان و بوتان است که در فشار مناسب به صورت مایع ذخیره می‌شود و هنگام مصرف به حالت گاز در می‌آید. همین قابلیت ذخیره‌سازی ساده و ایمن باعث شده این سوخت، برخلاف بسیاری از سوخت‌های دیگر، به شبکه ثابت انتقال گاز یا پالایش مستمر وابسته نباشد؛ یک مزیت مهم که در روزهای بحرانی نقش حیاتی پیدا می‌کند.

تجربه کشورهای مختلف نشان داده حملات نظامی یا اختلالات عمدی /غیرعمدی در تأسیسات انرژی، از پالایشگاه‌ها گرفته تا خطوط انتقال می‌تواند عرضه سوخت‌هایی مثل بنزین، گازوئیل یا حتی گاز طبیعی شهری را مختل کند. در چنین شرایطی، LPG به دلیل قابلیت ذخیره‌سازی، استقلال از شبکه انتقال و حمل آسان، یک منبع انرژی قابل‌اعتماد باقی می‌ماند.

LPG برخلاف گاز طبیعی به شبکه سراسری وابسته نیست و در مخازن مقاوم و استاندارد قابل ذخیره‌سازی است. این ویژگی باعث می‌شود که نهادهای امدادی و زیرساختی بتوانند ذخایر اضطراری ایجاد کنند، خانوارها و صنایع کوچک حتی در صورت قطع شبکه سراسری انرژی، همچنان امکان تأمین گرمایش و پخت‌وپز را داشته باشند و حملات به تأسیسات انرژی کل زنجیره تأمین را مختل نکنند.

از مهم‌ترین ویژگی‌های جایگزینی این سوخت این است که در شرایطی که شبکه‌ها آسیب دیدن‌اند، توزیع LPG از طریق مخازن قابل حمل یا کامیون‌های مخصوص همچنان امکان‌پذیر است. این ویژگی آن را به انرژی نجات‌بخش در شرایط جنگی، بلایای طبیعی و بحران‌های ناگهانی تبدیل می‌کند.

اینکه بیمارستان‌ها، مراکز امدادی، ماشین‌آلات امداد شهری، گلخانه‌ها و صنایع سبک همگی می‌توانند با LPG فعالیت خود را ادامه دهند حتی اگر شبکه برق یا گاز برای مدتی قطع شده باشد، جایگزینی این سوخت را به اولویتی امکان‌پذیر و در دسترس تبدیل کرده است. در کنار اهمیت استراتژیک، LPG برای زندگی شهری روزمره نیز مزایای بسیاری دارد چرا که هزینه مصرف این سوخت در مقایسه با بسیاری از سوخت‌های مایع کمتر است و در مناطق بدون شبکه گاز حتی از گاز شهری نیز اقتصادی‌تر تمام می‌شود. مطالعات بین‌المللی (مانند گزارش‌های IEA) نشان داده استفاده از LPG می‌تواند هزینه انرژی خانوارها را کاهش دهد.

از سوی دیگر، سوزاندن تمیز LPG باعث کاهش انتشار ذرات معلق و گازهای گلخانه‌ای می‌شود. همین ویژگی آن را به گزینه‌ای مناسب برای کلان‌شهرهایی تبدیل کرده که با آلودگی هوا روبه‌رو هستند. همچنین مخازن استاندارد LPG به شیر اطمینان، رگولاتورهای کنترل فشار و

■ سخنگوی اتحادیه صادرکنندگان فرآورده‌های نفتی ایران، معتقد است، پذیرش مفاد پیشنهادی ایران درباره امنیت و رژیم حقوقی تنگه هرمز در چارچوب توافق آتش‌ریس، می‌تواند یکی از مهم‌ترین دستاوردهای دیپلماتیک کشور در دهه‌های اخیر باشد.

سیدحمید حسینی درباره تفاهم آتش‌ریس اخیر و مفاد پیشنهادی مربوط به مدیریت تنگه هرمز از سوی ایران که قرار است ملاک مذاکرات نمایندگان ایران و آمریکا در اسلام آباد باشد، اظهار کرد: در این توافق، محورهای اصلی پیشنهادهای ایران عمدتاً حول سه موضوع شکل گرفته بود: نخست پایان جنگ با ایران و جریان مقاومت، دوم امنیت تنگه هرمز و تعیین رژیم حقوقی آن، و سوم رفع تحریم‌ها و جبران خسارت‌هایی که به ایران وارد شده است.

وی افزود: اعلام شده که این بسته پیشنهادی ۱۰ ماده‌ای از سوی آمریکا پذیرفته شده است. اگر چنین موضوعی تحقق پیدا کند، به نظر من، دستاورد بسیار بزرگی برای کشور خواهد بود. تصور نمی‌کنم در چند قرن گذشته در مذاکرات بین‌المللی به دستاوردی رسیده باشیم که بتواند همزمان تحریم‌های اولیه، تحریم‌های ثانویه و حتی سازوکارهایی مانند اسنپک را تحت تأثیر قرار دهد.

حسینی ادامه داد: از سوی دیگر، در این چارچوب بحث دریافت عوارض از تنگه هرمز نیز مطرح شده است؛ موضوعی که می‌تواند برای جبران خسارت‌هایی که به ایران وارد شده مورد استفاده قرار گیرد. علاوه بر این، ایجاد ثبات و آرامش در منطقه نیز یکی دیگر از نتایج مهم چنین توافقی خواهد بود. در چنین شرایطی همه طرف‌ها منتفع می‌شوند؛ ایران می‌تواند صادرات نفت خود را ادامه دهد، کشورهای منطقه از امنیت بیشتر برخوردار می‌شوند و اقتصاد جهانی نیز از ثبات در بازار انرژی سود می‌برد.

ارتقای جایگاه تنگه هرمز در معادلات راهبردی ایران

وی با اشاره به اهمیت راهبردی تنگه هرمز گفت: به نظر می‌رسد در این دوره، تنگه هرمز تا حدی جایگزین موضوع هسته‌ای به‌عنوان یک عامل بازدارنده در معادلات راهبردی شده است. موضوع هسته‌ای همواره برای کشور هزینه‌های سیاسی و امنیتی داشته و حساسیت‌های زیادی ایجاد می‌کرد، اما مسئله تنگه هرمز از یک سو برای ایران می‌تواند منبع درآمد باشد و از سوی دیگر حساسیت‌هایی مانند پرونده هسته‌ای ایجاد نمی‌کند. علاوه بر این، چنین موضوعی می‌تواند موجب تقویت وحدت و انسجام داخلی نیز شود. بنابراین به نظر من لازم است همه جریان‌ها برای عملیاتی شدن این توافق همکاری و حمایت کنند. این فعال حوزه انرژی در پاسخ به پرسشی درباره امکان تحقق رفع تحریم‌های هسته‌ای و غیرهسته‌ای نیز گفت: در گذشته ما معمولاً حاضر به مذاکرات جامع نبودیم و تأکید داشتیم که فقط درباره موضوع هسته‌ای مذاکره می‌کنیم، اما این بار رویکرد تغییر کرده و مذاکرات به شکل جامع دنبال می‌شود؛ یعنی همه مسائل از جمله موضوع هسته‌ای، تحریم‌ها، امنیت منطقه و مسائل دیگر به‌طور همزمان روی میز قرار گرفته است.

وی توضیح داد: وقتی مذاکرات جامع باشد، طرفین می‌توانند درباره

ساده از دیگر ویژگی‌های مثبت این سوخت محسوب می‌شود و همین ویژگی‌ها باعث شده بسیاری از مراکز خدمات‌رسان و حتی خانوارها برای دوران بحران، مخازن LPG خود را داشته باشند.

در نهایت اینکه، LPG تنها یک سوخت اقتصادی و پاک برای مصرف روزمره نیست؛ یک دارایی استراتژیک انرژی است که در روزهای بحران، جنگ، یا اختلال گسترده در زیرساخت‌ها می‌تواند زندگی شهری و خدمات حیاتی را سرپا نگه دارد. قابلیت ذخیره‌سازی، حمل آسان، ایمنی بالا و مصرف پاک، آن را به یکی از بهترین گزینه‌ها برای منازل، کسب‌وکارها و نهادهای امدادی تبدیل کرده است. ترکیب این مزایا با مخازن استاندارد و تأمین‌کنندگان معتبر، تضمین می‌کند که حتی در دشوارترین شرایط نیز دسترسی به انرژی پایدار قطع نشود.

ارتقای جایگاه تنگه هرمز در معادلات راهبردی ایران



حسینی افزود: اگر چنین شرایطی تثبیت شود، موقعیت ایران در منطقه تقویت می‌شود. در این صورت کشورهایی مانند چین و روسیه می‌توانند همکاری‌های بیشتری با ایران داشته باشند و حتی اروپا نیز ناچار خواهد شد با نگاه متفاوت‌تری به ایران نگاه کند. از سوی دیگر، بازارهای منطقه‌ای نیز می‌تواند در اختیار ایران قرار گیرد؛ از جمله بازارهایی مانند عراق، افغانستان و بخش‌هایی از بازار آسیا که ظرفیت‌های بزرگی برای همکاری اقتصادی دارند.

این کارشناس حوزه انرژی تأکید کرد: در صورت رفع تحریم‌های بانکی و مالی، اقتصاد ایران ظرفیت تحول قابل توجهی دارد. اگر دسترسی ایران به منابع مالی جهانی فراهم شود، اقتصاد کشور می‌تواند ظرف چند سال آینده تغییرات چشمگیری را تجربه کند.

حسینی در پایان خاطرنشان کرد: البته تحقق چنین تحولاتی نیازمند اصلاحات در داخل کشور نیز هست. باید ساختارهای اقتصادی اصلاح شود، سیاست‌های کارآمدتری در حوزه اقتصاد اتخاذ شود، روابط خارجی به شکل متوازن‌تری تنظیم شود و همچنین نحوه تعامل با مردم نیز بهبود پیدا کند. اگر این اصلاحات انجام شود، کشور می‌تواند به ثبات و آرامشی برسد که زمینه‌ساز تقویت اقتصاد و توسعه پایدار خواهد بود.



ضرورت مشارکت فراگیر مردم برای خلق ثروت ملی در سال ۱۴۰۵

■ عباس مقتدایی نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی زمین‌گیر شدن دشمن در جنوب اصفهان را نشانه شکست فاحش و مفتضحانه آمریکا توصیف کرد و گفت: آمریکایی‌ها که سال‌ها صبر راهبردی جمهوری اسلامی ایران را نشانه ضعف تلقی می‌کردند، این بار با واقعیت قدرت ملی و ظرفیت بازدارندگی ایران روبه‌رو و ناچار شدند پس از زمین‌گیر شدن تجهیزات خود به دست ایرانی‌ها، همان تجهیزات را خودشان هدف قرار دهند.

وی با اشاره به این‌که رفتار آمریکا در قبال ایران بر پایه قلدری و نادیده‌گرفتن واقعیات میدانی است، تأکید کرد: جمهوری اسلامی ایران نه‌تنها امنیت خود را تأمین کرده، بلکه سطح بالاتری از امنیت را برای منطقه رقم زده و الگوی جدیدی از مواجهه مؤثر با فشارها و تهدیدهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای ارائه داده است. مقتدایی در ادامه با تشریح پیوند میان امنیت ملی و اقتصاد مقاومتی، تصریح کرد: شعار اقتصاد مقاومتی در سال‌های گذشته از مرحله طرح و بحث عبور کرده و امروز به تجربه‌ای عینی در کشور تبدیل شده است.

لذا در سال ۱۴۰۵ لازم است اقتصاد مقاومتی وارد سطح جدیدی شود و همه اسباب و علل تحقق آن از جمله اصلاح قوانین، مشارکت عمومی و استفاده از ظرفیت‌های تعاونی‌ها و بخش خصوصی به طور همزمان فعال شود.

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با انتقاد از قوانین و مقررات دست‌وپاگیر در حوزه اقتصاد، بر لزوم حذف این موانع تأکید کرد و گفت: باید قواعدی جایگزین شود که راه را برای فعالیت اقتصادی مردم باز کند و دولت نیز در حوزه‌هایی که تعاونی‌ها و بخش خصوصی توان کارآمدی دارند، ورود نکند. مقتدایی در تبیین نگاه خود به اقتصاد مقاومتی، آن را اقتصادی دانست که مبتنی بر ظرفیت‌های خاص ایرانی است و می‌تواند باتکیه‌بر این مزیت‌ها، از جمله از مسیر دیپلماسی همسایگی، با جهان تعامل مؤثر و فعال داشته باشد.

وی با اشاره به جایگاه ایران در معادلات منطقه‌ای و جهانی، کشور را از نظر وسعت، موقعیت و تأثیرگذاری شبیه یک قاره توصیف کرد و یادآور شد: زیرساخت‌های ایران در سال‌های گذشته حتی بغض و کینه شخصی برخی مقامات آمریکایی از جمله رئیس‌جمهور وقت آن کشور را برانگیخته است.

مقتدایی تأکید کرد: هیچ ملتی در هیچ مقطع تاریخی مشابه ملت ایران، از خود حراست همه‌پدیی و چندانیه نشان نداده و سطح آگاهی و مشارکت عمومی در ایران بی‌نظیر است.

وی حضور گسترده مردم در راهپیمایی‌ها و صحنه‌های مختلف دفاع از کشور را کلاس درس وطن‌دوستی و حراست از مام میهن دانست و گفت: آموزش‌هایی که کودکان و نوجوانان در این روزها از پدران، مادران و اجتماع می‌بینند، در دهه‌های آینده آثار عمیق و پایدار بر هویت ملی و انسجام اجتماعی خواهد گذاشت.

مقتدایی در بخش دیگری از سخنان خود به بحث وحدت ملی پرداخت و با رد نگاه بخشی و تصنیی به این مفهوم، وحدت را فرآیندی دانست که همه ارکان و ساختار کشور باید در تحقق آن نقش ایفا کنند.

وی با استفاده از تشبیه ترکیب شیر و شکر، تأکید کرد: وحدت واقعی در جامعه زمانی شکل می‌گیرد که همه آحاد مردم و نهادها آن چنان در هم ادغام شوند که تفکیک و جداسازی آنان از یکدیگر امکان‌پذیر نباشد.

نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس با تأکید بر ضرورت توانمندسازی اقتصادی مردم، خواستار حرکت برنامه‌ریزی‌شده کشور به سمت بهبود وضعیت مالی عموم جامعه شد و تجمع پول‌های ریز و خرد مردم در قالب تعاونی‌ها و طرح‌های مشترک را از ملزومات خلق ثروت ملی دانست.

وی در این چارچوب به‌طور صریح دوگانه‌سازی میان مسئولان و مردم را رد کرد و گفت: مسئولان شأنی جز ریل‌گذاری، خدمتگزاری، راه باز کردن و نوکری ملت ندارند و در مقابل، ملت سرور و سالارند و مفهوم مردم‌سالاری نیز در عمل باید به همین معنا تجلی پیدا کند.

مقتدایی در جمع‌بندی دیدگاه خود درباره جایگاه ملت ایران، انتخابات را مهم‌ترین ابزار حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش برشمرد و نقش رأی مردم در تعیین مسیر کشور را اساسی دانست، او با تأکید بر بلوغ سیاسی جامعه ایرانی، تصریح کرد شایستگی‌های ملت ایران به حدی است که حتی در صورت از دست‌دادن رهبر، خود مردم قادرند به‌صورت جمعی نقش راهبری کشور را تا زمان تعیین رهبر بعدی ایفا کنند؛ امری که از نظر وی نشان‌دهنده سطح کم‌نظیر رشد و آگاهی سیاسی در ایران است.

به گفته نایب‌رئیس کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس، هیچ ملت دیگری تاکنون به این سطح از بلوغ و رشد سیاسی دست نیافته و همین ویژگی، ایران را به الگویی ویژه و عرصه مردم‌سالاری و مشارکت همه‌جانبه در دفاع از منافع ملی، امنیت کشور و پیشبرد اقتصاد مقاومتی تبدیل کرده است.

روایتی تلخ از حمله به ۳۹ بیمارستان کشور



و ۱۶ نفر به شهادت رسیدند ضمن اینکه ۳۹ بیمارستان آسیب دید که از این تعداد ۸ بیمارستان به صورت کامل از چرخه خدمات خارج شد. وی با اشاره به اینکه بیشترین آسیب‌ها را در جنگ اخیر مراکز بهداشتی در کشور دیدم، تصریح کرد ۲۲۹ مرکز بهداشتی شامل خانه‌های بهداشت و مراکز جامع خدمات سلامت در کشور بوده اند ضمن اینکه ۲۵ نفر از همکاران ما در این مراکز مجروح و شش نفر به شهادت رسیدند

مدیر کل روابط عمومی وزارت بهداشت با بیان اینکه تا این لحظه در مجموع ۱۷۸ نفر از نیروهای وزارت بهداشت در کل کشور مصدوم شده‌اند افزود ۳۶ نفر از همکاران ما نیز به شهادت رسیدند.

وی با اشاره به تلاش نیروهای کادر بهداشت و درمان در جنگ اخیر ابراز کرد با توجه به تجربیات جنگ ۱۲ روزه گذشته تمام ذخایر خود را به روزه نگه داشته بودیم و در خصوص وضعیت خون نیز که مقدار نگران کننده بود با مشارکت گسترده مردم این موضوع نیز برطرف شد

وی با بیان اینکه در دوران جنگ اخیر کمبودی از نظر دارو و تجهیزات

■ در حالی که براسال قوانین بین المللی مراکز بهداشتی و درمانی در جنگ نباید مورد حمله قرار گیرند اما به گفته مدیرکل روابط عمومی وزارت بهداشت در جنگ اخیر ۳۹ بیمارستان و ۲۲۹ مرکز بهداشتی مورد حمله قرار گرفت.

ممنوعیت حمله به مراکز بهداشتی و درمانی در زمان جنگ یکی از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل بشردوستانه است.

این اصل ریشه در کنوانسیون‌های ژنو و پروتکل‌های الحاقی دارد که به‌طور صریح تأکید می‌کنند بیمارستان‌ها، درمانگاه‌ها، آمبولانس‌ها، کارکنان پزشکی و حتی بیماران از هرگونه حمله باید مصون باشند.

علت این ممنوعیت، نقشی است که مراکز درمانی در حفظ جان انسان‌ها، حتی در میانه درگیری، ایفا می‌کنند. این مراکز نه تنها به زخمی‌های طرفین جنگ کمک می‌کنند بلکه به غیرنظامیان آسیب‌دیده نیز خدمات ضروری ارائه می‌دهند بنابراین هرگونه آسیب به آن‌ها عملاً جان افراد بی‌دفاع را تهدید می‌کند.

حمله به مراکز درمانی علاوه بر نقض قوانین بین‌المللی، پیامدهای انسانی گسترده‌ای دارد. تخریب بیمارستان‌ها باعث از بین رفتن ظرفیت حیاتی برای درمان مصدومان، ایجاد ترس در میان کادر درمان و مختل شدن ارائه خدمات ضروری می‌شود. همچنین اعتماد عمومی به توان پاسخ‌گویی در بحران‌ها کاهش یافته و آوارگی، مرگومیر و رنج انسانی افزایش پیدا می‌کند.

به همین دلیل حتی در شدیدترین درگیری‌ها، طرف‌های مخاصمه موظف‌اند حرمت مراکز درمانی را حفظ کنند و از استفاده نظامی از آن‌ها نیز بپرهیزند تا این مراکز هدف مشروع تلقی نشوند. رعایت این اصل یکی از معیارهای سنجش پایبندی طرف‌های درگیر به ارزش‌های انسانی و قوانین جنگ است.

اما در جنگ اخیر آمریکایی صهیونی علیه کشورمان همه این قوانین و معاهده عای بین‌المللی زیر پا گذاشته شد و مراکز درمانی و بهداشتی مورد حمله وحشیانه قرار گرفت.

حسین کرمانپور مدیر کل روابط عمومی و اطلاع رسانی وزارت بهداشت در گفتگو با خبرنگار سلامت خبرگزاری فارس درباره آخرین آمار شهدا و مجروحین جنگ اخیر علیه کشورمان بیان داشت: در جنگ اخیر نزدیک ۳۰ هزار رو ۶۱۲ نفر تانکون از مجروحان درمان و از مراکز درمانی ترخیص شده‌اند ضمن اینکه ۱۳۶۴ عمل جراحی نیز در مراکز درمانی انجام شده است.

کرمانپور با بیان اینکه اکنون حدود ۳۹۵ نفر از افراد آسیب دیده بستری هستند خاطرنشان کرد بخشی از این افراد در بخش آی سی یو قرار دارند ضمن اینکه در جنگ اخیر ۳۰ استان کشور و ۵۴ دانشکده علوم پزشکی و ۲۶۳ شهرستان مورد هدف دشمنان ما قرار گرفتند.

مدیرکل روابط عمومی وزارت بهداشت یادآور شد ۳ نفر از نیروهای اورژانس به شهادت رسیدند ضمن اینکه ۷۷ نفر از نیروهای اورژانس مجروح شده و ۵۶ پایگاه اورژانس، ۲۷ آمبولانس و یک بالگرد سازمان اورژانس کشور مورد آسیب قرار گرفته است

کرمانپور با اشاره به آسیب کامل یک آمبولانس دریایی اورژانس کشور خاطرنشان کرد در مراکز درمانی ۱۵ نفر از نیروهای کادر سلامت مجروح

تحلیل شکست دشمن در جنگ رمضان

■ به نقل از روابط عمومی سازمان بهزیستی، سید جواد حسینی در یادداشتی نوشت: در اغلب جنگ‌های کلاسیک گذشته، منازعات میان کشورها عمدتاً در قالب نبردهای زمینی و با پشتیبانی نیروهای هوایی و دریایی و با هدف تصرف سرزمین‌ها رخ می‌داد.

در چنین جنگ‌هایی نتیجه معمولاً روشن بود؛ یا بخشی از سرزمین به اشغال در می‌آمد، یا حکومتی سقوط می‌کرد، یا منطقه‌ای از اشغال آزاد می‌شد، و یا طرفین با توافقی سیاسی به جنگ پایان می‌دادند.

در این چارچوب، تشخیص پیروز و شکست خورده نیز دشوار نبود؛ طرفی که به اهداف سرزمینی یا سیاسی خود دست می‌یافت، پیروز جنگ محسوب می‌شد.

اما در دوره جدید، ماهیت جنگ‌ها دستخوش تحول شده است.

بسیاری از منازعات معاصر دیگر صرفاً بر نبردهای زمینی گسترده استوار نیستند؛ بلکه ترکیبی از عملیات هوایی، موشکی، سایبری و جنگ‌های اطلاعاتی و اقتصادی را دربر می‌گیرند.

در چنین شرایطی، تصرف سرزمین لزوماً معیار اصلی پیروزی نیست و ارزیابی نتیجه جنگ‌ها نیازمند شاخص‌های دقیق‌تری است.

«شکل قون کلاوژنیس»، نظریه‌پرداز مشهور نظامی، جنگ را «ادامه سیاست با ابزارهای دیگر» می‌داند.

بر اساس این دیدگاه، جنگ ابزاری برای تحقق اهداف سیاسی است؛ بنابراین معیار اصلی سنجش پیروزی یا شکست، میزان تحقق اهداف سیاسی و راهبردی طرف‌های درگیر است.

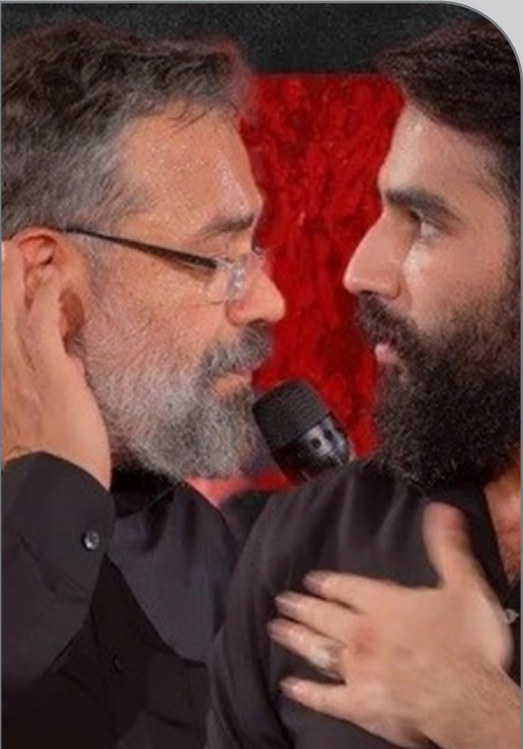
اگر کشوری بتواند از طریق جنگ به اهداف مورد نظر خود دست یابد، می‌توان آن را پیروز دانست؛ اما اگر این اهداف تحقق نیابد یا هزینه‌های آن بیش از دستاوردها باشد، نتیجه جنگ برای آن کشور نوعی شکست تلقی می‌شود.

در مطالعات راهبردی معاصر نیز چند معیار مهم برای ارزیابی نتیجه جنگ‌ها مطرح شده است.

اول، بررسی اهداف اعلامی و واقعی طرف‌های درگیر است؛ اهدافی که ممکن است شامل تضعیف توان نظامی طرف مقابل، تغییر رفتار سیاسی یا امنیتی او، ایجاد بازدارندگی در برابر اقدامات آینده، تغییر موازنه قدرت منطقه‌ای یا حتی تضعیف ساختار حاکمیتی باشد. در نهایت، میزان تحقق این اهداف تعیین می‌کند کدام طرف به موفقیت نزدیک‌تر شده است. دوم، نسیت هزینه‌ها به دستاوردها ست. در جنگ‌های مدرن تنها دستیابی به هدف اهمیت ندارد؛ بلکه هزینه‌های انسانی، اقتصادی و سیاسی نیز تعیین‌کننده‌اند.

اگر هزینه‌های یک جنگ بسیار فراتر از دستاوردهای آن باشد، حتی تحقق بخشی از اهداف نیز نمی‌تواند آن را به پیروزی راهبردی تبدیل کند.

سوم، مسئله بازدارندگی و تأثیر روانی جنگ است. در بسیاری از منازعات، هدف ایجاد فشار یا بازدارندگی در برابر اقدامات آینده طرف مقابل است. «توماس شلینگ» از نظریه‌پردازان برجسته بازدارندگی معتقد است قدرت در روابط بین‌الملل تنها در توانایی استفاده از زور خلاصه نمی‌شود، بلکه در توانایی وادار کردن طرف مقابل به تغییر رفتار نیز نمود پیدا می‌کند.



صداهایی که مردم را گردهم می‌آورد

■ در جامعه‌ای که پیوندهای فرهنگی و معنوی نقش مهمی در شکل‌گیری احساس همملی میان مردم دارند، هیئت‌های مذهبی همواره یکی از مهم‌ترین کانون‌های این همبستگی بوده‌اند.

فضایی که در آن صداهای آشنا، روایت‌های مشترک و تجربه‌های جمعی به یکدیگر گره می‌خورند و نوعی احساس نزدیکی و همراهی میان افراد جامعه ایجاد می‌کنند. در قلب این فضا، ملحان، وعظا و منبری‌ها قرار دارند؛ چهره‌هایی که با زبان روایت، شعر و احساس، فرهنگ هیئت را زنده نگه داشته‌اند و آن را از نسلی به نسل دیگر منتقل کرده‌اند.

در واقع هیئت‌ها صرفاً محل برگزاری مراسم مذهبی نیستند بلکه به مرور زمان به یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری ارتباط اجتماعی در محله‌ها و شهرها تبدیل شده‌اند و امروز تالابو آن را در تجمعات خیابانی می‌بینیم.

بسیاری از مردم در همین فضاها با یکدیگر آشنا می‌شوند، در فعالیت‌های جمعی مشارکت می‌کنند و تجربه‌ای مشترک از حضور در یک اجتماع معنوی را به دست می‌آورند. همین تجربه مشترک است که به گفته بسیاری از جامعه‌شناسان، نوعی سرمایه اجتماعی ایجاد می‌کند؛ سرمایه‌ای که بر پایه اعتماد، همملی و مشارکت شکل می‌گیرد. این اتفاق در دل همین تجمعات رقم خورده که با واکنش‌ها و بازتاب‌های فراوانی چه داخلی و چه بین‌المللی روبروست. حتی برای رسانه‌های معاند این حضور و همبستگی شگفت‌انگیز است.

در چنین فضایی، منبر نقش مهمی در شکل‌دهی به گفتگووی فرهنگی و دینی دارد. واعظان و منبری‌ها با روایت‌های تاریخی، تحلیل‌های اخلاقی و تبیین مفاهیم دینی تلاش می‌کنند مخاطبان خود را با لایه‌های عمیق‌تری از فرهنگ و تاریخ مذهبی آشنا کنند. سخنانی‌های منبری معمولاً ترکیبی از روایت، مثال‌های اجتماعی و تحلیل‌های اخلاقی است؛ ترکیبی که باعث می‌شود مخاطب بتواند مفاهیم دینی را در زندگی روزمره خود نیز درک کند.

در کنار منبر، ملحای بخش دیگری از این تجربه جمعی را شکل می‌دهد؛ بخشی که بیشتر با احساس و عاطفه گره خورده است. ملحان با استفاده از شعر آیینی، لحن خاص ملحای و ریتم‌های سنتی، فضایی ایجاد می‌کند که در آن مخاطب می‌تواند احساسات خود را با دیگران شریک شود. همین اشتراک عاطفی است که بسیاری از افراد آن را یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های مجالس هیئت می‌دانند.

پیوند میان منبر و ملحای در واقع ترکیبی از اندیشه و احساس را به وجود می‌آورد. سخنران با روایت و تحلیل، زمینه فهم مفاهیم را فراهم می‌کند و ملح با شعر و نوحه، آن مفاهیم را به زبان احساس منتقل می‌کند. این دو عنصر در کنار هم تجربه‌ای می‌سازند که برای بسیاری از مخاطبان فراتر از یک مراسم مذهبی ساده است. در سال‌های اخیر، این سنت قدیمی با تحولی مهم نیز همراه شده است؛ تحولی که از دل رسانه‌های نوین و فضای دیجیتال شکل گرفته است. ملحای که زمانی بیشتر در فضای محدود هیئت‌ها شنیده می‌شد، امروز در قالب نماهنگ‌ها، ویدئوهای کوتاه و فایل‌های صوتی در شبکه‌های اجتماعی نیز منتشر می‌شود. این تغییر، شکل تازه‌ای از ارتباط میان هیئت و مخاطبان ایجاد کرده است.

نماهنگ‌های مذهبی در واقع ترکیبی از چند هنر هستند: شعر آیینی، موسیقی ملحای، تصویرسازی و روایت بصری. در این آثار، صدای ملحای با تصاویری از فضای هیئت، سخته‌های آیینی یا روایت‌های تصویری همراه می‌شود و تجربه‌ای تازه برای مخاطب می‌سازد. همین ترکیب باعث شده است که بسیاری از جوانان نیز ارتباطی نزدیک‌تر با این نوع محتوا پیدا کنند.

نسل جدید مخاطبان، بیش از هر زمان دیگری با رسانه‌های تصویری ارتباط دارد. آن‌ها به روایت‌های کوتاه، تدوین سریع و ترکیب صدا و تصویر عادت کرده‌اند. نماهنگ‌های مذهبی دقیقاً در همین قالب شکل می‌گیرند؛ یعنی پیام را در زمانی کوتاه و با زبان تصویر منتقل می‌کنند. این ویژگی باعث شده است که ملحای بتواند مخاطبانی فراتر از فضای سنتی هیئت پیدا کند. شگفتانه‌های آن را در دل نماهنگ‌های ملحان و صداهایی که همه

از گردهم می‌آورد.

در این میان، برخی ملحان تلاش کرده‌اند با حفظ اصالت‌های سنتی ملحای، از امکانات رسانه‌ای جدید نیز استفاده کنند. استفاده از تنظیم‌های موسیقایی تازه، تولید نماهنگ‌های حرفه‌ای و انتشار آثار در بسترهای دیجیتال باعث شده است که این آثار مخاطبان گسترده‌تری پیدا کنند.

از سوی دیگر، بسیاری از وعظا و منبری‌ها نیز با حضور در رسانه‌های جدید توانسته‌اند دایره مخاطبان خود را گسترش دهند. سخنانی‌هایی که زمانی تنها در یک مجلس شنیده می‌شد، اکنون در قالب ویدئو یا پادکست در دسترس هزاران نفر قرار می‌گیرد. این روند باعث شده است که گفتگوهای فرهنگی و دینی از فضای محدود یک مجلس فراتر برود.



صهیونی در مقابل قدرتمندانه ایران، را به خوبی آشکار کرده است. به گونه ای که «کریس مورفی» سناتور آمریکایی می گوید: ترامپ کنترل تنگه هرمز را به ایران داد که یک پیروزی تاریخی برای ایران است. «لایپد» رییس اپوزسیون رژیم صهیونی نیز بر این باور است که: نتایج‌هاو از نظر سیاسی و استراتژیک شکست خورد و به هیچ یک از اهداف خود دست نیافت.

«رابرت پیپ» استاد دانشگاه شیکاگو هم آتش بس ایران را «وقفه» می‌نامند.

اینطور نیست، آمریکا از زور استفاده کرد و نتوانست نتیجه را کنترل کند. این یک تغییر ساختاری در قدرت است؛ در طول بیش از ۴۰ روز ایالات متحده گام به گام تشدید کرد: حملات بیشتر، اهداف بیشتر، تهدیدهای بیشتر.

هر بار، انتظار بر اطاعت بودهر بار، نتیجه بدتر بود.

او قبلاً هم گفته بود: «تا۳۳روز پیش جهان ۳قدرت کانونی داشت: آمریکا، روسیه و چین. ایران جدیدترین و چهارمین قدرت کانونی جهانی است؛ بیدار کردن قدرت نظامی کشوری که ۲۰ درصد ذخایر نفت و گاز جهان را دارا ست بزرگترین اشتباه آمریکا بوده. ایران قدرت بیدار شده‌اش را از دست نمی‌دهد».

سیاست های جنگ افزوزانه و اعلام نظرهای خیالپردازانه ترامپ بویژه در میانه «جنگ رمضان» اکنون کار را به جای رسانه است که رئیس ستاد ارتش آمریکا استعفا می دهد و تنها یک ساعت پس از اعلام استعفا، در جمعه چهاردهم فروردین در اظهار نظری کم سابقه هشدار داد که «یک دیوانه ارتش بزرگ آمریکا را به نابودی خواهد کشاند».



دشمن چگونه شکست خورد؟

به نقل از روابط عمومی سازمان بهزیستی، سید جواد حسینی در یادداشتی نوشته در اغلب جنگ‌های کلاسیک گذشته، منازعات میان کشورها عمدتاً در قالب نبردهای زمینی و با پشتیبانی نیروهای هوایی و دریایی و با هدف تصرف سرزمین‌ها رخ می‌داد.

جنگ افروزان از نگاه دراماترایی

مجید امرایی عضو رسمی انستیتو هنردرمانی پاریس طی یادداشتی از نگاه دراماترایی یا نمایش‌درمانی به بررسی شخصیت سیاستمداران جنگ‌افروز جهان پرداخت.

کاروان «هرمز» آماده مبارزات در ازبکستان

پانزدهمین دوره رقابت های تکناندو قهرمانی جهان به میزبانی ازبکستان در شهر تاشکند برگزار خواهد شد. به همین منظور تیم های نوجوانان دختر و پسر ایران با عنوان «کاروان هرمز» که تمرینات آماده سازی خود را در ساری و گیلان پیگیری کردند، به صورت زمینی از مرز ترکیه عبور کردند و راهی شهر «وان» شدند.

تیم ملی ایران از وان با هوایما راهی شهر تاشکند در ازبکستان، محل برگزاری این مسابقات شد و به این کشور رسید. گفتنی است با توجه به رشادت های نیروهای مسلح در حفاظت و پاسداری از میهن اسلامی به خصوص تنگه هرمز، کاروان اعزامی به مسابقات قهرمانی نوجوانان جهان با افتخار «هرمز» نامگذاری شد و ملی پوشان با انگیزه ای بالا به دنبال کسب افتخاری دیگر برای ایران هستند. در گروه دختران بهار طهماسبی، نگار مظفری، سیده زهرا موسوی، هلیا ابراهیمیان ، روزان حیدری،دینا بابارحیم،پینار لطفی زاده،ایناز میکائیلی، عسل گل تپه و حنا زرین کمر حضور دارند.

هدایت تیم ملی نوجوانان دختر برعهده نیلوفر صفریان به عنوان سرمربی است، پروین کشاورز، فاطمه خیری و زهرا کنگرانی به عنوان مربی وی را یاری می کنند.

در گروه پسران،امیر ارسلان احمدی، طاهاناطر،علی رزمیان، عرفان خدایی، امیر اقبالی ، پارسا هوشیار، ابوالفضل نجفی ،بنیامین سلطانیان امیرعلی حضرتی، و محمدجواد گریان ترکیب تیم ملی هستند.



بازسازی کمپ اسکواش

• امیر عزیزی پور رئیس فدراسیون اسکواش در خصوص جنگ رمضان و نقش جامعه ورزش در این شرایط بحرانی اظهار داشت: جامعه ورزش همانند همیشه و مانند همه اقشار جامعه در کنار ایران عزیز و نیروهای مسلح کشور ایستاد و به وظیفه انسانی خود عمل کرد. در این مدت شاهد بودیم که همه ایران در کنار خاک، استقلال و آزادی کشورشان ایستادند و مقاومت کردند و خوشبختانه پیروزی‌های بزرگی را هم رقم زدند. خوشحالم که جامعه ورزش هم سهمی خوب در این زمینه ایفا کرد. • وی افزود: در این مدت مقام عالی وزارت ورزش و جوانان بیشتر از همه پای کار بودند و مدام جلسات مهمی را برگزار کردند تا آسیبی متوجه ورزشکاران و تیم‌های ملی کشور نشود و برنامه‌ها به هم نریزد. این تلاش‌ها نشان‌دهنده اهمیت و توجه به سلامت و امنیت ورزشکاران است. ما به عنوان بخشی از جامعه باید همواره در کنار هم باشیم و از یکدیگر حمایت کنیم.

میزان خسارت وارد شده به اماکن ورزشی اعلام شد

طوری که بر اساس آماری که از سوی معاونت حقوقی، مجلس و امور استان‌های وزارت ورزش و جوانان اعلام شده است در مجموع به زیر ساخت‌های ورزشی در ۱۷ استان حمله شده و آسیب دیده‌اند.

بر این اساس ۲۰۳ اماکن ورزشی شامل سالن سرپوشیده، استخر، زمین چمن مصنوعی و ساختمان اداری در حملات دشمنان صدمه دیده‌اند که سطح آسیب آنها از ۲ تا ۱۰۰ درصد برآورد شده است.

طبق کارشناسی‌های انجام‌شده تهران، اصفهان، کردستان و مرکزی چهار استانی هستند که بالاترین تخریب را در مجموعه‌ها یا اماکن ورزشی خود داشته است.

گفتنی است بر اساس این گزارش اعتباری بالغ بر ۸ هزار و ۳۰۰ میلیارد تومان تخمین زده شده تا عملیات بازسازی و مرمت این اماکن ورزشی در سراسر کشور انجام شود.

بر اساس این گزارش با دستور احمد دنیامالی، وزیر ورزش و جوانان طراحی ساخت مجدد استادیوم ۱۲ هزار نفری آزادی تهران که به طور کامل در این حملات تخریب شده، صادر شده تا در اسرع وقت وارد فاز اجرایی شود.

ششمین هفته از جنگ تحمیلی آمریکایی - صهیونی علیه جمهوری اسلامی ایران در حالی با اعلام آتش بس موقت سپری شد که بخش‌های مختلفی از اماکن ورزشی کشور نیز در این مدت، مورد حمله و آسیب جدی قرار گرفتند.

بدون تردید تخریب کامل سالن ۱۲ هزار نفری مجموعه ورزشی آزادی تهران، تلخ‌ترین حادثه ای بود که ورزش کشور در روزهای ابتدایی جنگ با آن مواجه شد. این در حالی بود که مجموعه ورزشی بعثت که در جنوب شرق تهران واقع شده نیز در همین روز با تهاجم مواجه شد و خسارت سنگینی دید.

با ادامه حملات رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایتکار سایر اماکن ورزشی در تهران نظیر فدراسیون کشتی، مرکز ملی فوتبال، فدراسیون های تیراندازی، دوچرخه سواری، والیبال، کشتی، هاکی، تنیس، هندبال و ورزشگاه آفتاب انقلاب نیز تحت تاثیر بمباران های اماکن ورزشی قرار گرفتند و بخش‌های قابل توجهی از آن‌ها صدمه شد. در کنار آسیب‌هایی که به مجموعه‌ها و فدراسیون‌های ورزشی پایتخت رسید، دیگر فضاهای ورزشی کشور در استان‌های دیگر نیز مورد حمله واقع شد.



کادرفنی تیم استقلال تکمیل می‌شود

- تیم فوتبال استقلال با انجام ۲۲ بازی و کسب ۴۱ امتیاز صدرنشین رقابت‌های لیگ برتر است و با توجه به ازسرگیری مسابقات در اردیبهشت ماه، تمرینات این تیم از امروز جمعه ۲۱ فروردین آغاز خواهد شد.
- هدایت آبی‌ها که بر عهده سهراب بختیاری زاده است و در کنار او میلاد میداودی و بهزاد غلامپور هم حضور داشتند و قرار است از امروز کیانوش رحمتی که پیش از این هم سابقه حضور در تیمکت به جمع آبی‌ها اضافه شود.
- «وزجان بیزاتی» دستیار ترکیه ای بختیاری زاده هم قول بازگشت به تهران داده و او هم طی روزهای آینده به جمع سایر اعضای کادرفنی استقلال اضافه می‌شود.
- استقلال خود را برای دیدار حساس مقابل سپاهان آماده می‌کند که هنوز زمان دقیق و مکان این بازی از سوی سازمان لیگ اعلام نشده است.